

نقش مشارکت روستاییان در مدیریت و توسعه پایدار روستاها

(نگرشی کلی)

مهدی پیری^۱

چکیده:

نظام مدیریتی روستایی ایران، طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونیهای مختلفی که با آن روبرو بوده و متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی ادوار به ویژه تا سال 1340 و در دهه های اخیر، مشکلات زیادی را برای روستائیان ایجاد نموده است. اگرچه بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، تشکیلاتی تحت عناوین شورای اسلامی، خانه دهیار، دفتر عمران روستایی و غیره در روستاها شکل گرفتند، ولی به دلیل نداشتن زمینه های لازم و مشکلات اجرایی و توفیق چندانی در این عرصه حاصل نگردید. در شرایط فعلی، توجه به این نکته ضروری به نظر می رسد که ابزارهای متنوعی در فرایند مدیریت و توسعه پایدار جوامع بشری و از جمله در روستاها، نقش ایفا می کنند که به برخی از آنها در حد و اندازهها واقعی شان توجه نشده است. بررسیها نشان می دهد، از طرفی مشارکت روستائیان و تغییر تدریجی فرهنگ مشارکتی آنها با برنامه های ترویجی اجرا شده و از طرفی دیگر بهره مندی از دانشی تحت عنوان دانش بومی در کنار دانش رسمی، یکی از بهترین روشهای توسعه و مدیریت بهینه روستاها می باشد. در این مطالعه سعی بر آن داریم با نگاهی کلی بر مفاهیم مرتبط با مشارکت و توسعه پایدار، به بررسی نقش این دو عامل مهم در مدیریت و توسعه پایدار روستا پردازیم.

واژگان کلیدی: ، مشارکت، مدیریت روستایی، توسعه پایدار روستایی

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل

مقدمه:

روستا کوچک ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی (روستا) به لحاظ مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی نیاز باشد. اصولاً در جوامع انسانی شکل سازمان مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه است و به خصوص اگر جامعه، زیر جامعه ای از جوامع فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به مراتب تأثیرگذارتر خواهد بود. آینده مدیریت جدید روستایی متکی بر ظرفیتهای جوامع محلی با اداره و کنترل دقیق مکان و بهره وری از منابع موجود می باشد. در مقطع جهانی شدن و تمرکز سرمایه ها برای توسعه روستایی و نواحی محلی، مقابله با خود کامگی و فرد گرایی است. لذا مجموعه مدیریت باید به وسیله استراتژی های کارآمد، قدرت عمل، ابتکار در سازندگی و سیاستگذاری حساب شده همراه باشد. مدیریت جدید روستایی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد و قادر به تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهاى روستای بوده و در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار روستایی حرکت نماید (مطیعی لنگرودی، 1382).

ماهیت ارشادی و فلسفه وجودی ترویج که بر پایه سه رکن اساسی آموزش، خودیاری و همیاری قرار دارد فرآیند توسعه فرهنگ مشارکت را تسهیل می نماید. بر حسب حکم کلی در ترویج، برنامه ها و سیاستهای اعمال شده، بایستی مشوق مشارکتهای مردمی باشند تا همواره بنیانی استوار داشته و مورد پذیرش عموم قرار گیرند. البته برای دستیابی به این مشارکت باید به رهبران محلی و افرادی که نزد روستائیان از اعتبار کافی برخوردارند و نیز متخصصین امر توجه خاص مبذول داشت تا جو پذیرای نظرات و اندیشه های گوناگون پدید آید. بدین ترتیب علاوه بر بهرمندی روستائیان از تخصص دست اندرکاران و کارشناسان، زمینه لازم جهت ایجاد تغییرات و حرکت به سمت توسعه همه جانبه روستاها فراهم می گردد.

در سالهای اخیر استفاده از دانش رسمی و نوین، فناوریهای جدید در کلیه فعالیتهای تولیدی و خدماتی موجب تحولات اساسی در فرایند تولید و خدمات عرضه زندگی بهره برداران کشاورزی و روستائیان شده است. در همین حال، به کارگیری برخی فناوریها، نگرشهای و نظریه های مدیریتی، مشکلاتی را در عرصه های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است. یکی از گزینه های مورد نظر در پاسخگویی به این دغدغه ها، رجوع به دانش تجربی گذشتگان است. بنابراین این امکان فراهم می شود که در فرایند توسعه پایدار روستاها از مردم محلی و دانش آنها عملاً برای تحقق اهداف توسعه ای متوازن و پایدار استفاده کرد. (اردکانی و همکاران، 1378)

در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان، به کارگیری نظریه های کلاسیک و در حاشیه ماندن دانش بومی، مشکلاتی را در راه توسعه پایدار از جمله توسعه روستایی پایدار به وجود آورده است. در این مطالعه سعی شده است، با نگاهی کلی بر مفاهیم مشارکت و توسعه پایدار به بررسی رابطه میان این عوامل و نقش مشارکت در مدیریت و توسعه پایدار روستایی پرداخته شود.

تعاریف و مفاهیم سطوح مشارکت:

مفهوم لغوی مشارکت در منابع موجود بیشتر تحت عنوان همکاری کردن، شرکت نمودن در یک یا چند کار یا حضور داشتن در یک فعالیت مطرح می باشد. با توجه به سطح و درجه مشارکت مردم در تدوین و توسعه برنامه ها، دیدگاه های متفاوتی ارائه شده است. برخی معتقدند، شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می شود در توسعه ملی نقش دارند، مشارکت مردمی نامیده می شود. در این مورد از مردم انتظار نمی رود که در شکل گیری برنامه نقش داشته باشند یا از محتوای آن استفاده کنند بلکه فقط در بخشی از مسیر انجام برنامه به شکل دلخواه بدون هیچ گونه برنامه ریزی خاصی مشارکت می کنند. برخی دیگر از اندیشمندان پا را از این مفهوم فراتر نهاده و معتقدند مشارکت به معنی برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان مردم جهت پاسخگویی به طرح های توسعه به مفهوم تشویق و ابتکارات محلی است. در این راستا از طریق افزایش دانش و مهارت

مردم نسبت به ضرورت و اهمیت موضوع در ایشان، این درک و تعهد به وجود می آید که باید برای آینده خود، خانواده اش و جامعه به شکل فعال در طرحها و برنامه هایی که بطور مستقیم و غیر مستقیم سطح مادی و معنوی و وضعیت جسمی و روحی وی را تحت تأثیر قرار می دهد، مشارکت نماید. در چنین مواردی فرد منسجم تر و با برنامه تر از گذشته در طرح ها شرکت می کند و از ایشان انتظار می رود ضمن ارائه طریق، در تدوین محتوا و اجرای برنامه شرکت مؤثر و کلیدی داشته باشد و در این زمینه احساس مسئولیت درونی و وجدانی نماید. مشارکت والدین در تأمین مالی و ارائه توصیه های تجربی و کاربردی به مدیران مدارس کشور از طریق انجمن اولیاء و مربیان، مشارکت در برنامه های ملی- مذهبی محلی و منطقه ای نمونه ای از چنین سطح و نوع مشارکتی است. مفهوم گسترده تر مشارکت که ایفاء نقش فعال مردم در مراحل طراحی، اجرا، ارزشیابی و اصلاح برنامه و طرح های مرتبط و تأثیرگذار بر زندگی فردی و اجتماعی آنان، دیدگاه بعضی دیگر از دانشمندان علوم اجتماعی است که در این خصوص دیدگاهی باز، بسیط و جامع ارائه نموده و نقش غالبی برای مردم در فرایند توسعه جامعه خویش در نظر می گیرند(منبع شماره 4).

ازکیا(1365) چهار سطح را برای مشارکت در نظر گرفته است. که عبارتند از:

1- آگاهی

2- تصمیم گیری

3- شرکت داشتن

4- رضایت

در اولین سطح مشارکت کننده از وظایف، حدود اختیارات، برنامه های گذشته، حال و آینده و تنگناهای موجود و چگونگی حل آنها آگاهی می یابد ولی عملاً وارد نظام مشارکت نمی شود، با علم به اینکه کلیه موارد در بیرون از گود نظاره گر چگونگی گذر عملی برنامه در پیچ و خم مسائل و تنگنا های موجود می باشد. در دومین سطح فرد در ساختار تصمیم گیری بر نامه ها و طرح هایی که از

ویژگی‌ها و مشخصه‌های ظاهری و باطنی آن از قبل آگاهی یافته تأثیر گذار می‌شود و از طریق مشارکت در چرخه تصمیم‌گیری دیدگاه‌های خویش را ارائه می‌نماید. در مرحله سوم، یعنی شرکت داشتن، فرد بطور عملیاتی وارد میدان کار می‌شود و در برنامه‌های تدوین شده توسط مراجع ذیصلاح با همکاری خود ایشان، مشارکت می‌کند. در مرحله چهارم فرد از حسن انجام کار، پس از ارزیابی نتایج برنامه‌ها و طرح‌هایی انجام شده و میزان سهمی که خود وی در انجام کارهای مذکور داشته است، احساس رضایت و شادمانی درونی و وجدانی می‌کند (منبع شماره 4).

ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد و آن بها دادن به فقرای روستایی در تصمیم‌گیریهای توسعه، دسترسی به سرمایه‌های مولد و داشتن سهمی در توسعه است، مشارکت فرایندی چند بعدی است که در پاسخگویی شرایط ویژه در نقاط مختلف، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. هیچ روش خاصی برای نظارت بر آن وجود ندارد و تفسیر آن کار تحلیلهایی است که به کار برده می‌شود. تفکیک مفهوم مشارکت از بعضی مفاهیم توسعه روستایی غیر ممکن است. مشارکت عامه در رابطه با نوعی دموکراسی سیاسی و نیز با به کارگیری فرایندهای تغییر اجتماعی و رشدی که واژه توسعه بدان اشاره دارد، مفهوم پیدا می‌کند. مشارکت، وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصتهای شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن تلقی می‌شود. فرایندی که توسط آن، افراد، خانوارها یا اجتماعات، مسئولیت بهداشت و رفاه خود را به عهده گرفته و توانمندیهای خود را در امر بهبود وضعیت خویش و اجتماعشان افزایش می‌دهند. این نوع مشارکت، فعالانه تشویق شده و تفویض مسئولیتها در سطح جامعه روستایی و ایجاد شوراهای محلی را به عنوان ابزار این مشارکت در بر می‌گیرد (محمود نژاد، 1370).

اهمیت مشارکت و فواید حاصل از آن:

اهمیت مشارکت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

1- مشارکت سبب افزایش سرعت پیشرفت طرحهای توسعه می‌گردد.

- 2- مشارکت باعث جذب سرمایه های موجود در دست مردم به نفع مردم می شود.
 - 3- مشارکت سبب به کارگیری دانش بومی و وارد شدن افراد محلی در فرآیند تهیه تدوین و اجرای برنامه های توسعه شده، توجه به نسلهای آینده و نیازهای ایشان را تقویت می نماید.
 - 4- مشارکت در تصمیم گیری فرد را از میزان تعهد و توافق گروه آگاه می سازد، اگر فرد از حمایت و پشتیبانی سایر افراد در مورد تصمیم متخذه آگاه باشد احتمال رضامندی وی نیز بیشتر می شود.
- از سویی برخی فواید مادی و معنوی نیز با مشارکت حاصل خواهد شده که به موارد زیر می توان اشاره کرد :

- 1- بهره های توسعه و شکوفایی اقتصادی بگونه ای متعادل میان گروه بسیاری از مردم بخش می گردد.
- 2- مردم از پی آمدهای کار و کوشش خود بهره سراسر می گیرند و به بهبود چیزی که خود در پدید آوردن آن شریکند شوق بیشتری نشان می دهند.
- 3- مردم بر سرنوشت خود نظارت بیشتری می کنند و به خودگردانی در زندگی خو می گیرند و از کار خود خشنودی به دست می آورند و از جابجایی و رها کردن کار دوری می جویند.
- 4- رشد و توسعه به نسبتی شتابان تر پدیدار می شود و افزایش در بهره وری کار آشکار می گردد.

مدیریت و توسعه پایدار روستایی:

فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل در یک سازمان به منظور دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده را مدیریت می گویند. بدیهی است که در این بین هماهنگی و اجراء ضمن مستتر بودن در عوامل چهارگانه فوق از اهمیت زیادی برخوردار است(ولی زاده، 1375). به عبارت ساده تر، تدبیر بهره گیری از منابع در جهت اهداف مطلوب نیز تعریف دیگری از مدیریت می باشد(کوهستانی و همکاران، 1379). به طور کلی می توان مدیریت را دو شکل سنتی و نوگرا(نوبن) تقسیم نمود که معیار شناسایی هر یک از آنها را تا حدودی می توان در جدول شماره 1 ملاحظه نمود. مدیریت روستایی نیز

از این قاعده کلی مستثنی نمی باشد و بر این اساس مشارکت در سالهای اخیر بعنوان یکی از روشهای تأثیر گذار در جهت مدیریت روستاها مطرح شده و برای نیل به هدف توسعه پایدار روستایی ضروری به نظر می رسد.

جدول 1- معیار شناسایی مدیریت سنبی و نوگرا(نوبن)

معیار	مدیریت سنتی	مدیریت نوگرا یا نوبن
مرکزیت	متمرکز	غیرمتمرکز
تصمیم گیری	رابطه ای	ضابطه ای
اجرای تصمیمات	از طریق دستور	از طریق اطلاع رسانی و درخواست
هماهنگی مدیریتی در اجزای سیستم	ناهمگون / ناهماهنگ	همگون / هماهنگ
قدرت رهبری مدیران	ضعیف	قوی
آموزش کاری	کم (آزمایش و خطا)	آموزش مدون و مستمر
نظارت	ضعیف	قوی
قوانین و مقررات	پیچیده و سختگیرانه اما غیر مؤثر	منطقی و لازم الاجرا
خطر پذیری	پائین	بالا
الگوی انجام کار	سلیقه ای	پروژه ای و مأموریتی
مشارکت	منفعل	فعال
سیاست	روزمرگی	برنامه ریزی هدفمند
راهبردها	نامعین / مقطعی و کوتاه مدت	مشخص / بلند مدت
راهکارها	غیر شفاف / مخفی	شفاف / علنی
تفکر	قومی و قبیله ای	سیستمی
انجام کار	فردی	گروهی
نظارت و ارزیابی	کم	مستمر
بهره وری	کم	زیاد
توزیع منابع	نامتناسب / رابطه ای	متناسب / سیستمی
جذب منابع	غیر رقابتی	رقابت سالم
گردش مالی	کند	سریع

مأخذ: منبع شماره 8.

طی چند دهه اخیر توسعه روستایی در ایران به طور اعم و مدیریت روستایی به طور اخص از روندی اندیشیده و طراحی شده منسجمی برخوردار نبوده است.. ذکر این نکته به معنای نفی اقدامات قابل توجه و سازنده ای که در برخی از جوامع روستایی صورت پذیرفته نیست، بلکه به مفهوم گسیختگی

اهداف و برنامه ها و فقدان راهبردهای مشخص برای توسعه روستایی است (سعیدی، 1370). علی رغم خدمات گسترده ای که از سوی دولت و نهادهای انقلابی در روستاها صورت گرفته، هنوز فاصله بین واقعیت های موجود و اهداف توسعه بسیار زیاد است و مسائل و مشکلات فراوانی در جامعه روستایی وجود دارد که از حل این مسائل و مشکلات معادل با از بین بردن محرومیتها در جوامع روستایی است. از این رو ایجاد زمینه توسعه تا حد زیادی در گرو تحقق یافتن مدیریت کارآمد اجرایی در روستاها می باشد. (مهردوی، 1384). از اهم این مسائل می توان به چند مورد ذیل تحت عناوین محرومیت ها اشاره کرد:

محرومیت های اقتصادی، محرومیت های زیستی و محرومیت های فرهنگی.

مشارکت، مدیریت یکپارچه و توسعه پایدار روستایی:

مشارکت مردم در روند توسعه، نزد صاحب نظران از چنان اعتباری برخوردار است که بعضاً توسعه را معادل مشارکت می دانند. لذا دستیابی به توسعه بدون اتخاذ روشهایی که در آن مشارکت مردمی به عنوان زیربنا نگریسته شود، میسر نیست. مشارکت در حقیقت اهرمی است که انسان های ناتوان را بسوی توانمندی ها هدایت کرده و توانایی های بالقوه آنان را به بالفعل تبدیل می کند. (مطیعی لنگرودی، 1382)

یکی از مهم ترین عوامل برای بوجود آوردن توسعه پایدار روستایی، ایجاد دموکراسی عملی بیشتر در سطح محلی و منطقه ای است که به نوبه خود می تواند موجب بوجود آمدن تغییرات مثبت دیگری باشد. ترویج مشارکت مردمی در کلیه زمینه های تصمیم گیری، مدیریتی، نظارتی، اجرایی، فنی، مالی و تأمین نیروی انسانی، اجتماعی و فرهنگی به منظور استقرار اصل تمرکز زدایی، تقویت و تثبیت روند پایداری در محیط و اجتماع روستایی از اهمیت بسزایی برخوردار است. (بحرینی و مکنون، 1380). شایان ذکر است که بروز پیچیدگی در تمامی ابعاد زیستی سبب شده است تا مقابله با مسائل و معضلات روستایی جز از طریق دخالت دادن مردم در فرایند ایجاد محیط سالم روستایی، ممکن نباشد.

متأسفانه امروزه حسن تعاون در بین روستائیان رو به کاهش رفته و فرصتی برای جنبه های مثبت شخصیتی و همچنین توانایی افراد کمتر بچشم می خورد. بخش اعظم چنین وضعیتی ناشی از الگوهای پدرسالارانه تصمیم گیری و مدیریتی و شرکت ندادن آگاهانه و غیرآگاهانه مردم می باشد که به تبع آن مسائل عدیده ای ایجاد می گردد و بحث جامع تری را طلب می نماید. مشارکت مردمی در روستاهای ایران دارای ابعاد گوناگونی است که می توان آنها را در زمینه های کالبدی، اقتصادی و عملکردی، ادراکی و روانی، فرهنگی . اجتماعی مشاهده نمود. با تقویت مشارکت و بکارگیری توانایی های افراد، سطح دانش فنی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی جامعه روستایی ارتقاء یافته و روستائیان با داشتن این احساس که در محیط زندگی خویش نقش دارند، رابطه احساسی عمیقی با محیط برقرار کرده و با تضعیف بی تفاوتی های رفتاری، نظارت بیشتری در محیط اعمال می نماید و حاصل چنین روندی ایجاد محیط زیست سالم تر و رفاه بیشتر است.

امروزه تداخل وظایف دستگاه های اجرایی و عدم هماهنگی بین آنها در عرصه مدیریت و برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی محرز و آشکار است که موضوع دارای طرح و برنامه هستند و در بسیاری موارد هر دستگاه نیز دارای چند طرح و برنامه متفاوت و ناهماهنگ با یکدیگر است و مشخص نیست که کدام طرح باید اجرا شود و چه کسی باید آن را اجرا کند.(رضوانی،1380).

نتیجه گیری:

توسعه پایدار آن توسعه ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تأمین کند، بدون آن که توان های محیطی و زیستی نسلهای آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازد(جان بری 1380) و هدف اصلی توسعه پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم ها و آینده ای امن تر و سعادت مند تر ذکر می شود که این مهم در گرو مدیریتی نوین در محیط روستایی است.

علت بسیاری از محرومیتهای موجود در جوامع روستایی و عقب ماندگی آنها نسبت به سایر جوامع تعریف شده، نبود آموزش و اطلاع رسانی درست در بین این جوامع می باشد. در حال حاضر برای رفع این مشکل تکیه اصلی بر رشد درون زا می باشد به طوری که اگر رشدی صورت گیرد حتماً باید خود مردم نیز در آن سهیم باشند و سمت و سو و جهت آن را لمس کنند و با تمام جوانب آن آشنا باشند به طوری که خود بانی رشد و توسعه باشند که بهترین راه در این زمینه همان توسعه مشارکتی است.

منابع:

1. اردکانی، محمد و شاه ولی، منصور(1378)، مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره 34.
2. بحرینی، س.ح. و مکنون، ر(1380)، توسعه شهری پایدار از فکر تا عمل، فصلنامه محیط شناسی، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران، شماره 27.
3. رضوانی، محمد رضا(1380)، نگرشی بر نظام برنامه ریزی توسعه روستایی، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، شماره 41.
4. سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، رهیافتهای نوین ارتقاء سطح مشارکت شهروندان در ایجاد، حفاظت و توسعه فضای سبز، مجموعه مقالات.
5. سعیدی، عباس و همکاران(1370)، تحلیل و نقد شیوه های طبقه بندی روستا ها، گزارش اول، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
6. کوهستانی، حسینعلی و همکاران(1370)، انسان در مدیریت، نشر شیوه.
7. محمود نژاد، منصور(1370) رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، مجله روستا و توسعه، شماره 26.
8. مهدوی، م. و نجفی کانی، ع.ا (1384)، دهیاری، تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران(نمونه موردی: دهیاری استان آذربایجان شرقی)، پژوهشهای جغرافیایی، شماره 53، پاییز 1384.
9. مطیعی لنگرودی، ح (1382)، برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، جهاد دانشگاهی مشهد.
10. ولی زاده، ابوالفضل(1375)، مدیریت و توسعه، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره های 73 و 74.